



## جزایهای تعزیری در شریعت اسلامی

پوهنمل محمد انور ظفري

دپارتمنت فقه وقانون، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بدخشان،

anwar.zafari@gmail.com

۰۰۰۹-۰۰۰۸-۲۹۱۰-۶۲۸۶

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

### چکیده

تعزیرات بخشی از نظام مجازات اسلامی است که شارع نوع و شیوه‌ای خاصی را برای آن تعیین نکرده است و صلاحیت رسیدگی و تعیین روش مجازات تعزیری به حاکم شرع و یا فقیه جامع شرایط واگذار شده است. در این تحقیق جزایهای تعزیری در شریعت اسلامی و تفاوت آن با حدود و قصاص مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، تلاش گردیده که تصویر روشنی از تعزیر ارایه گردد و پس از آن مشروعیت تعزیر در روشنی کتاب و سنت، و اجماع امت به کاوش گرفته شده است. در رابطه به انواع جرایم تعزیری، می‌توان گفت که مجازات تعزیری متعدد و متنوع است اما به اعتبار محل تطبیق آن به چهار دسته تقسیم می‌شود: تعزیرات بدنی مانند ضرب شلاق و اعدام، تعزیرات مالی مانند غرامت و مصادرته اموال، تعزیرات سلب کننده‌ی آزادی مثل حبس و تبعید، و تعزیرات روانی مانند زجر و توبیخ، وعظ و نصیحت، که حکم هر کدام به تناسب شرایط کنونی کود جزای افغانستان در حالت تعلیق قرار دارد؛ پس در محاکم، جرایم تعزیری چگونه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد؟ تحقیق گر با درک خلای متذکره و پرسش موجود، در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کتاب‌خان‌ای به سراغ منابع دست اول دین مقدس اسلام، رفته و دریافته است که جزایهای تعزیری احکام خاصی در فقه اسلامی دارند و از صلاحیت قاضی یا اولوالامر مسلمانان است که طبق شرایط زمانی و مکانی با در نظر داشت شخصیت مجرم و متخلف جزای مناسب را شناسایی و تطبیق نموده عدالت را به وجه احسن تامین نماید. نتیجه‌ای به دست آمده عبارت است از این که تعزیرات، مجازاتی است که در اغلب موارد از طرف شارع میزانی برای آن تعیین نگردیده است و صلاحیت تعیین آن به اولوالامر مسلمانان تفویض شده است. در میزان شدت و خفت تعزیرات، زمان و مکان و نوع جرایم تأثیر دارد، یعنی هر اندازه که جرم ارتکاب یافته سنگین باشد، مجازات تعزیری آن سنگین تعیین خواهد شد و بر عکس.

**کلید واژه‌ها:** اولوالامر، تعزیر، شریعت، فقه، جزایها

**Penalties (At-ta'zeerat) in Islamic Sharia**

Author  
E-Mail  
Orcid

**Mohammad Anwar Zafari**

Lecturer at the Shariah Faculty of Badakhshan University

[anwar.zafari@gmail.com](mailto:anwar.zafari@gmail.com)

<https://orcid.org/0009-0002-2936-1638>

## Abstract

In this research, Ta'ziri punishments in Islamic Sharia and its difference with Hudud and Qisas have been examined. First, an effort has been made to provide a clear picture of Ta'zeer, and after that, the legitimacy of Ta'zeer has been explored in the sand of the book and set, and the Ummah's opinion. Regarding the types of penal crimes, it can be said that penal punishment is numerous and diverse, but it is divided into four categories depending on the place of its application: physical punishments such as flogging and execution, financial punishments such as compensation and confiscation of property, and deprivation of liberty. Such as imprisonment and exile, and psychological punishments such as torment and rebuke preaching and advice. The sentence of each one is different according to the crime committed, the character of the criminal, the time and place of the crime. In response to the question that in the current situation, the penal code of Afghanistan is suspended; So, how are penal crimes handled in the courts? Understanding the aforementioned gap and the existing question, the researcher has gone to the first-hand sources of the holy religion of Islam in this research with a descriptive-analytical method and a library approach, and has found that punitive punishments have specific rules in Islamic jurisprudence and are within the jurisdiction of the judge. Or, it is the guardian of the Muslims to identify and apply the appropriate punishment according to the time and place conditions, taking into account the character of the criminal and the offender, and ensure justice in the best way. In most cases, no amount has been set for it by the Shariah, and the authority to determine it has been delegated to the Muslim leaders. The time, place and type of crimes have an effect on the severity and mildness of punishments, that is, no matter how serious the crime committed, the punishment will be severe and vice versa.

**Keywords:** Ulwalamar, Tazeer, Sharia, Fiqh, pand ,punishmat.

### مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين. ولا عدوان الا على الظالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد الذي ارسله ربه رحمة للعالمين و على آله و صحبه اجمعين.

تعزیرات بخشی از نظام مجازات اسلامی است که شارع مقدس نوع و شیوه‌ای خاصی را برای آن تعیین نکرده است و صلاحیت رسیدگی و تعیین روش مجازات تعزیری به حاکم شرع و یا امام و قاضی واگذار شده است.

هرچند این موضوع به صورت پراکنده و فرعی در کتب فقهی، مورد بحث قرار گرفته است، اما تمرکز این تحقیق بر آن است که علاوه بر مفهوم‌شناسی و بیان انواع تعزیرات، تفاوت تعزیرات فقهی با حدود و قصاص را روشن سازد. در شریعت اسلام، جرایم حدود، قصاص و دیت از طرف شارع جرم‌انگاری شده جزایهای آن مقدر و تعیین گردیده است. تعزیرات از جمله مجازات اسلامی است که مقدار آن از طرف شارع تعیین نشده است. در بحث تعزیرات، حقیقت و ماهیت حقوقی تعزیر، تحت عنوان قاعده «التعزیر دون الحد» یا «من بلغ حدا فی غیر حد فهو من المعتدین» مورد بحث قرار می‌گیرد و مرجع تعیین‌کننده کم و کیف تعزیر اولوالامر مسلمین در دایره زمان و مکان می‌باشد».

### تبیین مسأله

در این مقاله جزایهای تعزیری به اعتبار زمان و مکان توضیح گردیده است تعزیر یا تأدیب به گناهی اطلاق می‌شود که حد و کفاره در آن نباشد و مفهوم عقوبت تعزیری عبارت از مجموعه‌ای عقوبات غیر مقدر است که از سبک‌ترین عقوبات آغاز می‌شود مانند نصیحت، اخطار، و به‌سنگین‌ترین جزا مانند ضرب و اعدام منتهی می‌شود. شریعت اسلامی صلاحیت وسیعی را برای قاضی در تعیین اندازه‌ی عقوبات تعزیری داده است. تا از بین آن عقوباتی که مناسب جرم، حالت مجرم، روان و سوابق جرمی‌اش می‌شود؛ انتخاب کند. بعد از تطبیق ضوابط که متضمن عدالت در جرم و به‌حسب تقاضای مصلحت جامعه و نظام عامه و هم‌چنان به‌شکلی که مخالف مبادی و مقاصد شریعت نباشد اجرا و عملی سازد. غرض از اعطای این صلاحیت به اولوالامر و قضات در این است که عدالت به صورت درست تأمین شود. جزایهای تعزیری زیاد و متنوع است که شامل جلد، اعدام، تعزیر مالی حبس و تبعید می‌شود. انگیزه و هدف نگارش مقاله توضیح و بیان جرایم و جزایهای تعزیری و تفاوت آن با حدود و قصاص است.

در افغانستان شریعت اسلام حاکم و نافذ است حدود و قصاص مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلامی تطبیق می‌شود که در آن هیچ کس کمی و بیشی کرده نمی‌تواند. قبلا کود جزای افغانستان به‌منظور پوشش جرایم تعزیری در محاکم کشور نافذ بود و جرایم غیر از حدود و دیت در دایره صلاحیت آن رسیدگی می‌شد. بعد از روی کار آمدن امارت اسلامی قوانین تعلیق شد و از طرف دیگر قضات محترم نیاز دارند برای رسیدگی به قضایای ماسوای حدود و قصاص و دیت، به جرایم تعزیری رجوع کنند که انجام این گونه تحقیقات قطعاً نیاز مبرم جامعه‌ای ما به‌شمار می‌رود.

### سوالات تحقیق

#### سوال اصلی

۱. مجازات تعزیری چیست؟ و ضوابط آن کدام است؟

## سوال فرعی

۱. تعزیر مالی چه حکم دارد؟
۲. چه تفاوتی بین حد و قصاص و تعزیر وجود دارد؟
۳. صلاحیت قاضی در تعزیرات چیست؟

## اهداف تحقیق

این تحقیق برای برآورده ساختن اهداف ذیل انجام شده است:

۱. بیان مجازات تعزیری؛
۲. کمک به دستگاه عدلی و قضای کشور از طریق تبیین جزایهای تعزیری؛
۳. تأمین عدالت از طریق بیان روش‌های تطبیق شریعت اسلامی خصوصاً جزایهای تعزیری؛
۴. پائین آوردن گراف جرایم از طریق تسریع روند رسیدگی به قضایای جنایی.

## پیشینه‌ی تحقیق

چنانچه در مقدمه بیان گردید (جزایهای تعزیری در فقه اسلامی) تحقیق جدید است، به همین دلیل تا به حال در کشور عزیز ما افغانستان تحقیق علمی مطابق به معیارهای علمی و اکادمیک در این رابطه نوشته نشده، و در این مورد تلاش‌های زیادی به خرج دادم، اما نتوانستم کتابی یا رساله‌ی را که اکثر جوانب این موضوع را به بررسی گرفته باشد به دست بیارم، و آن‌چه که در این مورد موجود است به شکل عمومی در کتب فقه اسلامی تحت عنوان (کتاب الجنایات) که اول جنایت بر نفس سپس جنایات بر ما دون النفس یعنی قطع اعضاء و به تعقیب آن شجاج (زخم‌های سر و صورت) و بعد از آن جراحات مثل جائفة و غیر جائفة را بیان می‌کند، به زبان عربی می‌باشند، از جمله کتاب‌های که از این موضوع در آن تذکر رفته است به طور نمونه قرارذیل اند:

۱. التشریح الجنائی الاسلامی، دکتور عبد القادر عوده.
  ۲. حقوق جزای اختصاصی اسلام، پوهاند داد محمد نذیر.
  ۳. الجريمة و العقوبة فی الشریعة الاسلامیة از ابوزهره.
- کتاب التشریح الجنائی اثر دکتور عبد القادر عوده دارای دو جلد می‌باشد که جلد اول آن در باره حقوق جزای عمومی است که در آن جرایم را تعریف کرده، شرایط و ارکان عمومی جرم را بیان می‌نماید و جرایم را به شکل عمومی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

در جلد دوم این کتاب، جرایم و جزاهایی اختصاصی را مورد بررسی قرار داده که شامل جرایم حدود و جزاهای آن‌ها، جرایم قصاص و دیت و جزاهای آن‌ها، جرایم تعزیری و جزاهای آن‌ها می‌گردد. اما آنچه که این مقاله یا تحقیق انجام داده است از چند لحاظ متفاوت می‌باشد:

۱- اول این که تحقیق من فقط به بخش جزاهای تعزیری تعلق دارد و بخش‌های جزای عمومی، قصاص و جرایم حدود را در بر نمی‌گیرد.

۲- کتاب عبد القادر عوده در روشنی فقه اسلامی و قوانین مصر به زبان عربی نگاشته شده است در حالی که تحقیق من در پرتوی شریعت اسلامی، زبان دری نوشته شده است.

و کتاب پوهاند داد محمد نذیر هم چنان مشتمل بر دو جلد است که جلد اول آن به نام حقوق جزای عمومی اسلام بوده جرایم و مجازات را به طور عمومی بیان می‌کند و جلد دوم آن به نام حقوق جزای اختصاصی اسلام می‌باشد که شامل جرایم حدود، قصاص و دیت و تعزیر بوده مسایل فقهی با قانون جزای افغانستان مقایسوی بحث شده است.

آنچه در این تحقیق انجام شده از چند لحاظ متفاوت است:

۱- این تحقیق صرف در مورد جزاهای تعزیری از دیدگاه شریعت اسلامی می‌باشد و به قانون جزای قبلی استدلال صورت نگرفته است.

۲- من مسایل را به صورت مفصل در روشنی فقه اسلامی به بررسی گرفته‌ام در حالی که استاد داد محمد نذیر کتابش را مطابق به روش‌های علمای حقوق نوشته

## روش تحقیق

این تحقیق ساحه‌ی میدانی ندارد و از روش تحقیق با رویکرد کتاب‌خانه‌ای توصیفی-تحلیلی کار شده است. حواله آیات قرآن کریم مطابق به رهنمود سستم (APA) بعد از نام سوره با ذکر شماره آیت درج نمودم. در تخریج احادیث حسب معمول، احادیثی را که بخاری و مسلم روایت، از تخریج آن صرف نظر کردم؛ چون اهل سنت و الجماعت به صحت آن دو کتاب اتفاق نظر دارند، اما حکم احادیث سایر کتب حدیث را، حتی الامکان با استناد از کتب علمای جرح و تعدیل بیان نمودم. در مرجع‌نگاری از سستم درون‌متنی با ذکر تخلص یا کنیه مشهور مؤلف، سال چاپ کتاب، شماره جلد و صفحه آن، استفاده کردم. در صورت تکرار، صرف به نام مشهور مؤلف، نام سال چاپ یا کلمه همان، جلد و صفحه اکتفا کردم ترجمه و توضیح آیات را از تفسیر نور خرم دل گرفتم.

## اهمیت تحقیق

دین مقدس اسلام شامل تمام بخش‌های زندگی انسان می‌شود و یکی از اهداف کلی و محوری اسلام تأمین عدالت است خصوصاً در بخش‌های جزایی، یکی از شروط عدالت جزای، متناسب بودن جزاها با جرایم می‌باشد. الله متعال جزاهای برخی از جرایم را که شامل حدود، قصاص و دیت می‌شوند تعیین کرده است، قاضی یا اولوالامر مسلمانان در آن دست باز ندارند، کم و بیش کرده نمی‌توانند، هم چنان حق تعطیل جزاها را ندارند. اما شارع در بخش جزاهای تعزیری برای قاضی یا قانون‌گذار مسلمان دست باز داده است تا مطابق به نیاز و شرایط زمانی و مکانی خود؛ جرایم را تعریف و جزاهای متناسب به جرم را از منابع غنی دین مقدس استخراج نموده به‌هدف آسایش جامعه و زجر، توبیخ، ادب کردن، تهذیب و تربیت مجرم تطبیق نماید. دین مقدس اسلام همیشه در پی مجازات مردم نیست، اما کسی که مرتکب معصیت می‌شود باید با جزای مناسب عمل‌کردش روبرو شود. تحقیق حاضر تلاشی است در راه دستیابی به‌اهداف متذکره.

## نتایج و یافته‌ها

### مفهوم شناسی

۱- **تعزیر در لغت:** تعزیر مصدر است به‌معنای رد، منع و نصرت می‌باشد. که این معنی اصلی آن است اما بر معانی دیگر نیز اطلاق می‌گردد (ابن منظور، ب ت: ۹ / ۱۸۳-۱۸۵ ماده (عزر)، چون این کلمه از جمله الفاظ مشترک است و هم‌چنان از جمله الفاظ اضداد نیز شمرده شده و مهم‌ترین معنای لغوی تعزیر قرار ذیل بیان می‌شود:

۱- به‌معنای نصرت و کمک مانند قول الله تعالی: ( **إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا**) (سوره فتح / ۳۰).

ما تو را به‌عنوان گواه و مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستاده‌ایم. تا به‌خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و خدا را یاری کنید و او را بزرگ دارید و سحرگاهان و شام‌گاهان به‌تسبیح و تقدیسش بپردازید.

معنای (تُعَزِّرُوهُ) چنین می‌شود: تا خدا را یاری کنید، یاری خدا با یاری دادن دین او میسر است. به‌معنی نصرتش کنید، معاونتش، کنید و منعمش کنید (ابن کثیر، ۷۷۴هـ ق: ۱۸۶/۸).

۲- به‌معنای تفخیم و تعظیم: مانند این قول الله متعال:

**وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا** (مانده / ۱۲).

و برای شان گفت من با شمایم اگر نماز بگزارید و زکات مال بدر کنید. و به‌پیغمبرانم ایمان بیاورید و آنان را یاری کنید و به‌خدا قرض نیکو دهید. (خرمدل، ب ت: ۱۹۱)

۳- تعزیر به معنای ضرب و تادیب و یا به معنی ضرب شدید نیز آمده است. از همین جهت جزای کم‌تر از حد را تعزیر نامیده‌اند. ملاحظه می‌شود که معنای دوم و سوم باهم متضاد است و اهل لغت گفته‌اند: تعزیر از جمله‌ای اضرار است. به معنی تفخیم، تعظیم، رد و ترسانیدن نیز استعمال می‌شود (خرمدل، ۲۹۲).  
عقوبت را تعزیر به خاطر گفته‌اند که جانی را از انجام جرم و برگشت دوباره مجرم به سوی جرم باز می‌دارد. همین معنی بر معنای تعزیر مطابقت دارد. اما در این جا تعزیر به معنی مطلق تادیب است (ازهری، ۱۹۹۱: ماده عزر).

فقها - رحمهم الله - تعزیر را با تمرکز بر لفظ تادیب چنین تعریف می‌کنند:  
التعزیر هو عقوبة غیر مقدره شرعا، تجب حقا لله تعالی، او الادمی، فی کل معصية لیس فیها حد ولا کفارة غالباً.

تعزیر عبارت از مجازات شرعی غیر مقدری است که در مقابل جرایمی مربوط به حقوق الله یا حقوق العباد که دارای جزای حد و کفاره نباشد؛ واجب می‌گردد (ابوزهره، ب ت: ۲۳۴).  
شایسته به نظر می‌رسد تا تعریف تعزیر از دیدگاه فقهای مذاهب اربعه بیان شود:

### اول تعریف تعزیر در نزد حنفی‌ها:

تعزیر در فقه حنفی این گونه تعریف شده است: «التعزیر تادیب دون الحد»  
تعزیر در نزد احناف تادیبی است که به درجه حد نرسیده باشد (ابن همام، ۳۴۵/۱۳۱۹: ۵، جرجانی، ۱۴۰۳: ۵۵).

### دوم: تعریف تعزیر در نزد مالکی‌ها

فقهای مالکی تعزیر را این طور تعریف کرده‌اند: "التعزیر هو تادیب وإصلاح وزجر علی ذنوب لم تشرع فیها حدود ولا کفارات".  
تعزیر عبارت از تادیب و اصلاح و زجر است بر گناهیانی که در آن حدود و کفارات نباشد (ابن فرحون، ب ت: ۱۱۸/۲).

### سوم: تعریف تعزیر در نزد شافعی‌ها

شافعی تعزیر را این گونه تعریف می‌کنند: "التعزیر تادیب علی ذنب لا حد فیہ ولا کفارة".  
تعزیر عبارت از تادیب است بر گناهی که حد و کفاره در آن نباشد (شرینی، ب ت: ۱۹۱/۴).

### چهار تعریف تعزیر نزد حنبلی‌ها

حنبلی‌ها تعزیر را این طور تعریف می‌کنند: "هو العقوبة المشروعة علی جنایة لا حد فیها" تعزیر عبارت از جزای است بر جنایت که دارای جزای حد نباشد؛ مشروع گردیده است (ابن قدامه، ۱۴۱۶هـ: ۶۷/۱۲). از مجموع تعریف‌های فوق معلوم می‌شود: تعزیر در اصطلاح فقها به نوعی از مجازاتی اطلاق می‌گردد که بستگی به رأی قاضی داشته و با در نظر داشت میزان جرم، شرایط زمانی و مکانی مجرم بالای او اجرا می‌گردد. تعزیر را از آن جهت تعزیر گویند که برای جانی کمک می‌کند تا در آینده اصلاح شده و مورد مجازات قرار نگیرد (بهسینی، ۱۴۰۷هـ: ۴۳۲).

به عبارت دیگر جزایهای تعزیری عبارت از مجموعه‌ای عقوبات غیر معینی است که از نصیحت و اذار آغاز یافته به عقوبات شدیدتری مانند حبس، شلاق و در بعضی جرایم خطرناک به اعدام نیز می‌رسد. و قاضی می‌تواند با در نظر داشت حالات و سوابق مجرم و طبیعت جرم، جزایهای تعزیری مناسبی را انتخاب کند. هم‌چنان مجرم در جرایم حدود و قصاص و دیت که به سبب موجودیت مانعی، عقوبت اصلی بر او نافذ نشود با جرایم تعزیری مجازات می‌گردد. اضافه بر آن جزایهای تعزیری با جزایهای اصلی گاهی تطبیق می‌گردد مانند تبعید مجرم به مدت یک سال در جرم زنا از نظر امام ابو حنیفه رحمه الله (کاسانی، ۱۴۲۱هـ: ۲۰۰ م: ۳۴۵/۷). و علاوه کردن تعزیر در جرایم قصاص اعضاء از نظر امام مالک رحمت الله علیه (ابن فرحون، ب: ۲: ۲۱۹/۲).

و اضافه کردن چهل دره بر حد شراب نوشی از نظر امام شافعی رحمه الله (شربینی، ب: ۴/۱۹۱). قاضی صلاحیت دارد تا از میان جزایهای تعزیری، همان جزای را انتخاب و تطبیق کند که برای اصلاح مجرم و حمایت جامعه از شر مجرمین مؤثر باشد (عوده، ب: ۱/۶۸۵).

### تفاوت جزایهای تعزیری با مجازات حدود و قصاص

جزایهای تعزیری با جزایهای حدود، قصاص و دیت فرق دارند و این تفاوت‌ها عبارتند از:

- ۱- مجازات جرایم تعزیری نا معین است، ولی مجازات مقرر بر حدود، قصاص و دیت مقرر و معین می‌باشند. (نذیر، ب: ۶۷).
- ۲- عقوبات مقرر بر حدود و قصاص و دیت از جانب اولوالامر مسلمانان نه قابل عفو است و نه قابل اسقاط، ولی جزایهای تعزیری قابل عفو و اسقاط می‌باشند (عوده، ب: ۱/۶۸۰).
- ۳- در عقوبات مقرر بر حدود و قصاص و دیت شخصیت مجرم مدار اعتبار نیست، بل که خود جرم ار تکابی معتبر است، اما در جرایم تعزیری هم شخصیت مجرم و هم جرم ارتکابی مدار اعتبار است. (نذیر، همان: ۶۸).



بنابر این فرق اساسی تعزیر با سایر مجازات اسلامی این است که حد، دیت و قصاص مجازات معین و ثابت است، ولی تعزیر، مجازات برای آن دسته از جرایمی است که شامل این گونه مجازات نمی‌شود. تعزیر معنی عام و گسترده‌ای دارد، طوری که شامل هرگونه تنبیه یا تأدیب می‌شود و منحصر به تازیانه نیست، بل که حبس، مصادره اموال، توبیخ و سرزنش علنی و آشکار، تبعید برای مدتی مشخص، ترک معامله و مراد با مجرم و... را نیز شامل می‌شود (ابوزهره، همان: ۳۳۶).

### ۱- مشروعیت تعزیر

جزایهای تعزیری به‌اساس کتاب الله، سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم، اجماع امت ثابت است (ابن همان، همان: ۳۴۵/۵).

### اول: قرآن کریم

الله متعال می‌فرماید: **وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا** (نساء/۳۴).

و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و از هم‌بستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید آنان را بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند راهی برای ایشان نجوید بی‌گمان خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

از این آیت معلوم می‌شود الله متعال برای شوهران حق تعزیر و تنبیه همسران ناسازگار را داده است که از وعظ و نصیحت آغار می‌شود و به ترک هم‌بستری و تنبیه بدنی آن‌ها ادامه می‌آید (قرطبی، ۱۹۹۵: ۲۴۳/۵).

### دوم: سنت رسول الله

پیامبر بزرگوار اسلام در عصر خود به‌عنوان قاضی، مجازات تعزیری را تطبیق نموده است.

۱- ابو برده انصاری می‌گوید: پیغمبر صلی الله علیه و سلم می‌گفت:

«**لا یجلد فوق عشر جلدات إلا فی حد من حدود الله**» (بخاری، ۱۴۲۰هـ: ۴۷۶/۲، شماره حدیث ۲۵۱۲).

از ده دره اضافه کسی زده نمی‌شود مگر این که حدی از حدود الله باشد. از این حدیث معلوم می‌شود که در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم بر علاوه حدود و قصاص، جزایهای تعزیری غیر مقدر نیز بوده است.

۲- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است:

«أَنَّ النَّبِيَّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- أُتِيَ بِمُحَخَّثٍ قَدْ حَصَبَ يَدَيْهِ وَرَجَلَيْهِ بِالْحِجَاءِ فَقَالَ النَّبِيُّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: « مَا بَأَلْ هَذَا؟ ». فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَسْتَبْهُهُ بِالنِّسَاءِ فَأَمَرَ بِهِ فَنُفِيَ إِلَى النَّقِيعِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا نَقْتُلُهُ قَالَ: « إِنِّي نَهَيْتُ عَنْ قَتْلِ الْمُصَلِّينَ » (ابوداود، ۲/ شماره حدیث ۳۴۵).<sup>۱</sup>

مخنی را نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آوردند که هردو دست و پایش را باحناء رنگین ساخته بود. پیامبر خدا فرمودند: چه انگیزه‌ای باعث آوردن این شخص شده است؟ حاضرین گفتند: او کسی است که خود را با زنان مشابهت می‌دهد سپس نبی صلی الله علیه و سلم دستور داد تا او را به منطقه نقیع<sup>۲</sup> تبعید نمایند اصحاب کرام گفتند: آیا او را نکشیم؟ پیامبر فرمود: من از کشتن نمازگزاران منع شده‌ام. تبعید نمودن آن شخص را می‌توان به‌عنوان مجازات تعزیری تعبیر و توجیه نمود.

۳- بهز بن حکیم از پدرش و او از جدش روایت می‌کند:

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم حبس رجلا في تهمة في ساعة من نهار، ثم خلى سبيله» (اصبهانی، ۳۸۱هـ : ۸۴۳).

رسول الله صلی علیه و سلم مردی را که متهم در قضیه‌ای بود؛ برای مدتی حبس کرد و بعدا او را آزاد کرد. حدیث در مستدرک حاکم به این لفظ آمده است: « أن النبي صلى الله عليه وسلم حبس رجلا في تهمة »

پیامبر صلی الله علیه و سلم مردی را که متهم به قضیه‌ای بود حبس کرد (حاکم، ۱۴۰۵هـ شماره حدیث: ۷۱۶۳).<sup>۳</sup>

**وجه استدلال:** طوری که در حدیث ذکر شد حبس کردن در تهمت (مظنون بودن) جواز داشته است پس در ارتکاب جرایم تعزیری به‌طور اولی جواز دارد و حبس از جمله مجازات تعزیری بوده می‌باشد. بناءً این حدیث دلیل است بر مشروعیت حبس بحیث جزای تعزیری.

۴- پیامبر صلی الله علیه و سلم با سه تن از اصحابش - کعب بن مالک، و مراره بن ربیع، وهلال بن أمیه - که از غزوه تبوک عقب مانده بودند گفتگو و مرارده را ترک کرد، و بعد از نزول آیات ذیل که قبولیت توبه آن‌ها را در بر دارد؛ ایشان را عفو کرد.

۱- البانی میگوید: این حدیث صحیح است. نگاه: صحیح و ضعیف سنن ابی داود حدیث ۴۴۸۱ و صحیح سنن ابی داود حدیث ۴۹۲۸.

۲- نقیع نام جای است در مدینه منوره که در زمان پیامبر خدا به اندازه بیست فرسخ از مدینه فاصله داشته است و در زمان حضرت عمر بحیث چراگاه برای شتران و حیوانات بیت المال اختصاص داده شده است.

نگاه: جواد علی، (۱۴۲۲هـ-۲۰۰۱م) المفضل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، دارالساقی ج ۱ ص ۴۶.

۳- أبو عبد الله الحاكم صاحب مستدرک این حدیث را صحیح الاسناد گفته است.

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (توبه/۱۱۷).

مسلماً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آن که نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آن‌ها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است.

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا صَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَصَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (توبه/۱۱۸).

(هم‌چنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند، تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آن‌ها تنگ شد؛ (حتی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آن‌ها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

ترک گفتگو از طرف پیامبر صلی الله علیه و سلم با این سه نفر جزای تعزیری بود که بر ایشان بسیار گران تمام شد. این واقعه دلیل بر مشروعیت تعزیر از طریق ترک مرادوه و گفت و شنود است.

۵- عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که از ایشان درباره‌ی خرمای روی درخت سؤال کردند، فرمود: «مِنْ أَصَابِ بَفِيهِ مِنْ ذِي حَاجَةٍ غَيْرِ مَتَّخَذِ خُبْنَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَمَنْ خَرَجَ بِشَيْءٍ مِنْهُ فَعَلِيهِ الْغَرَامَةُ وَالْعُقُوبَةُ وَمَنْ خَرَجَ بِشَيْءٍ مِنْهُ بَعْدَ أَنْ يُؤْوِيَهُ الْجَرِينُ فَلَيْسَ بِمَجْرٍ فَعَلِيهِ الْقَطْعُ». (نسائی، ۱۹۸۶: شماره حدیث: ۴۹۵۸).

«هر نیاز مندی که از آن، بخورد و در ظرف نریزد (و نبرد) بر او چیزی نیست، و کسی که چیزی از آن ببرد، پس بر او غرامت و مجازات است و کسی که از محل، (انبار خرما) ببرد و مقدار آن به قیمت سپری باشد، باید دست‌اش قطع گردد».

از این حدیث معلوم می‌شود سرقتی که نصاب حد را پوره نکرده باشد قابل تعزیر مالی و یا بدنی است. در هر دو صورت حدیث فوق بر مشروعیت تعزیر دلالت می‌کند.

### سوم: اجماع امت

از زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم تا به امروز فقها و علمای امت اسلامی درکل به مشروعیت تعزیر اجماع و اتفاق دارند. البته در بعضی موارد مانند مقدار جزای تعزیری، تعزیرات مالی، تعزیر بالقتل (اعدام) اختلاف وجود دارد که منافی اجماع در اصل مشروعیت تعزیر نمی‌باشد (ابن المنذ، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م: ۱۱۳).

## اقسام جزاهای تعزیری

جزاهای تعزیر زیاد و متنوع هستند. اما به اعتبار محل تطبیق شان بگونه‌ای ذیل دسته‌بندی می‌شوند:

- ۱- تعزیرات بدنی: مانند ضرب و قتل.
- ۲- تعزیرات مالی: مانند تلف کردن مال و تاوان مالی.
- ۳- سلب آزادی: مانند حبس و تبعید.
- ۴- تعزیرات روانی: مانند زجر و توبیخ (ابن‌القیم، ۱۴۱۵ هـ: ۴۶۶).

الف - تعزیر به ضرب یا جلد

مشروعیت ضرب از قرآن کریم ثابت است، الله جل شانہ می‌فرماید: **وَاللّٰتِي تَخَافُوْنَ نُشُوْرَهُنَّ فَعِظُوْهُنَّ وَاَهْجُوْهُنَّ فِی الْمَصٰجِعِ وَاَصْرِبُوْهُنَّ فَاِنَّ اَطْعٰنَكُمْ فَلَا تَبْغُوْا عَلَیْهِنَّ سَبِيْلًا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا كَبِيْرًا**. (نساء/۳۴).

و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و از هم‌بستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید آنان را بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند راهی برای ایشان نجوید بی‌گمان خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.

از این آیت معلوم می‌شود که الله متعال برای شوهران حق تعزیر و تنبیه همسران نا سازگار را داده است که از وعظ و نصیحت آغار می‌شود و به ترک همبستری و تنبیه بدنی آن‌ها ادامه می‌آید.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: "لَا يُجْلَدُ أَحَدٌ فَوْقَ عَشْرَةِ أَسْوَاطٍ إِلَّا فِي حَدِّ مَنْ حُدَّ بِاللَّهِ". از ده دره اضافه‌تر کسی زده نمی‌شود مگر این که حدی از حدود الله باشد (بخاری، شماره حدیث: ۶۸۴۸).

در باره مشروعیت ضرب در مجازات تعزیری فقهای امت اسلامی اجماع دارند. از زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم تا به امروز هیچ کس مخالفت نکرده است (ابن‌المنذر، ب ت: ۱۱۳).

### ۱. مقدار ضرب در تعزیر

تعزیر به اندازه جنایت و اندازه مراتب جنایت. مطابق بر اجتهاد قاضی عملی می‌شود به گونه‌ای که زجر و ترس در آن متحقق گردد.

### ۲. اقل ضرب در تعزیر

فقها در شناسایی کم‌ترین اندازه تعزیر به ضرب اختلاف دارند:

**مذهب اول:** کم‌ترین ضرب در تعزیر را سه شلاق می‌دانند که این قول امام قدوری از علمای احناف است. چون به نظر او ضرب تعزیری اگر از سه شلاق کم‌تر باشد برای متحقق ساختن زجر و ترس که هدف تعزیر است برآورده نمی‌شود (ابن‌مام، ب ت: ۱۱۶/۵).

**مذهب دوم:** کم‌ترین مقدار ضرب تعزیری به قاضی یا اولوالامر تعلق دارد قسمی که که قاضی برای زجر و ترس آن‌را مناسب داند.

زیرا جزای تعزیری به اختلاف جرایم و اشخاص مختلف می‌شود. و این قول راجح نزد احناف، مالکی‌ها. شافعیه و حنبلی‌ها است (ابوزید، ۱۴۱۵هـ : ۴۶۶؛ ابن فرحون، ب ت: ۲/۲۲۲؛ ابن بنجم، ب ت: ۵/۵۱؛ شربینی، ب ت: ۴/۱۹۳).

مذهب دوم به نظر بنده راجح معلوم می‌شود زیرا تعین اندازه ضرب به نص صریح از جانب شارع تعیین می‌شود تا بر آن رجوع شود و در اقل ضرب تعزیری نصی وجود ندارد. پس این صلاحیت به قاضی تفویض می‌شود تا حسب مصلحت؛ حکم و فیصله را صادر نماید (نجار، ب ت: ۷۵).

### ۳. حد اکثر ضرب در تعزیر

در شناسایی اکثر ضرب در تعزیر؛ علماء اختلاف دارند:

اول: ضرب تعزیری حد اکثر ندارد، امام آن‌چه را که مصلحت بداند تعیین می‌کند، این قول امام ابویوسف از احناف، امام مالک و شیخ الاسلام ابن تیمیه از حنابله است. ابن قیم جوزی در استدلال بر این قول می‌گوید "إن الشارع ينوع فيها - أي في التعزيرات - بحسب المصلحة" (ابن القیم، ب ت: ۴۶۷). امام یا قاضی طبق مصالح مردم جزای متنوع تعزیری را می‌تواند تطبیق کند. دلیل این قول واقعه‌ای مردی است که مهر امیر المؤمنین عمر بن الخطاب را تقلب کرد و با جعل و تزویر از بیت المال مسلمین مقدار مال را بیرون کرد. زمانی که قضیه به عمر رضی الله عنه رسید آن مرد را با ضرب صد شلاق تعزیر کرد، زمانی که در مورد آن سفارش شد دوباره او را صد تازیانه زد و بار سوم نیز او را مورد ضرب صد تازیانه قرار داده جلا وطن کرد. چون این مرد جرایم متعددی را مرتکب شده بود مثل جعل و تزویر مهر امیر، اخذ مال از بیت المال و باز کردن راه حيله گری برای دیگران، (ابن فرحون، ب ت: ۲/۲۲۰).

دوم: عده‌ای از فقها می‌گویند: حد اکثر ضرب در تعزیر نباید به اندازه‌ی باشد که به حد اقل حد شرعی برسد. یعنی اگر کم‌ترین جزا در حد شرعی چهل دره یا شلاق است، پس ضرب تعزیری باید ۳۹ سی‌ونه دره باشد. این قول احناف، شوافع و حنابله است. البته ادنی‌ترین حد شرعی، نزد احناف و حنابله هشتاد شلاق برای افراد آزاد و چهل شلاق برای غلام تعیین شده است و نزد شوافع ادنی‌ترین حد مشروع چهل شلاق برای فرد آزاد و بیست شلاق برای برده‌گان می‌باشد

(زبلی، ۱۹۹۶م: ۳/۲۱۰؛ شربینی، ب ت: ۳/۲۱۰؛ ابن قدامه، ب ت: ۱۲/۴۶۷)

دلیل این قول حدیث نعمان بن بشیر رضی الله عنه می‌باشد که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: «من بلغ حداً في غير حد فهو من المعتدين» (بیهقی، ب ت: ۸/۳۲۷).<sup>۴</sup>

<sup>۴</sup> - شیخ البانی گفته: این حدیث ضعیف است. السلسلة الضعیفة ج ۱۰ ص ۶۹، شماره حدیث (۴۵۶۸).

کسی که در اجرای جزایهای تعزیری اگر به مقدار حد شرعی رسیده باشد از جمله متجاوزین است. از این حدیث معلوم می‌شود که جزای تعزیری به اندازه‌ی حد شرعی نباید برسد. در غیر آن تجاوز از دایره صلاحیت قاضی به‌شمار رفته و خداوند تجاوز کاران را دوست نمی‌دارد.

### ب قتل تعزیری یا اعدام

قاعده‌ی کلی در شریعت اسلامی این است که تعزیر برای تأدیب می‌باشد. قاضی یا اولوالامر مسلمانان باید محتاط باشد تا جزایهایی را در جرایم تعزیری تطبیق نکند که مهلک و کشنده هستند. اما زمانی که جزایهایی تعزیری ماسوای اعدام در زجر و ردع مجرمین مؤثر و مفید واقع نشود و گراف جرایم تعزیری خطرناک مانند جاسوسی، تریح زندقه و بی‌دینی، دشنام انبیا علیهم السلام، عام شدن سحر و جادو، مخالفت صریح با شریعت اسلامی، لواط و...، ترویج بدعت‌ها، بلندبرود، برای جلوگیری از این نوع جرایم قتل تعزیری یا به اصطلاح امروز اعدام جایز است. به شرطی که اضافه‌روی و سوء استفاده صورت نگیرد (ابن تیمیه، ۱۹۹۶: ۱۵۶).

از مهم‌ترین حالات که فقها به قتل تعزیری حکم نموده‌اند در مورد جاسوس است البته جاسوس دو حالت دارد:

اول: جاسوس غیر مسلمان که این نوع جاسوس به اتفاق فقهاء حکم بر قتل اش شده است (ابن فرحون، همان: ۲۲۳/۲؛ شربینی، همان: ۱۹۱/۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸هـ: ۵۵۹۹/۷).

دوم: جاسوس مسلمان که فقهاء در حکم آن دو نظر دارند:

نظر اول: جاسوس مسلمان اعدام نمی‌شود مگر در صورت ارتکاب جرمی که قتل اش را واجب سازد. این قول امام ابو حنیفه، رحمت الله علیه، امام شافعی رحمه الله و ابو یعلی از علمای حنبلی است (ابویعلی، ۱۹۹۸: ۳۱۵؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵هـ: ۶۳/۶).

### ج- تعزیرات مالی: غرامت و یا مصادره

**الف:** تعریف: مصادره از فعل (صَدَرَ) مشتق شده که نقیض فعل (وَزَدَ) که بر وزن فعل است به معنی خروج به محض اراده شخص است. اما فعل صَادَرَ که بر وزن فاعله از باب مفاعله. است معنای الحاح. اصرار را در خود حمل می‌کند، به معنی این که مصادره اخراج شی به طلب. الحاح و اصرار است (ابن منظور، همان: ماده (صَدَرَ) ۳۵۱/۷).

مصادره در اصطلاح: عبارت از تسلط بر مال محکوم علیه است به گونه‌ی که با اخذ یا اتلاف یا به شکل بیع عقوبتاً (استملاک) از ملکیت وی بیرون کرده شود (الموسوعة الفقهية، ب ت: ۳۵۷/۳۷).

گرامت گرفتن مال از جانی و گذاشتن آن در بیت المال است؛ یعنی واریز نمودن در خزانه‌ی عمومی، یا اتلاف آن است در صورتی که شرعاً قابل نگهداری نباشد؛ مانند شراب، گوشت خوک یا عملاً قابل نگهداری نباشد؛ مانند طعام فاسد و ادویه تاریخ تیر شده (مرزوقی، ۱۴۴۵هـ: ۳۱۶).

**ب: حکم مصادره یا غرامت در تعزیرات مالی:** جمهور علمای مذاهب اربعه تعیین غرامت یا تاوان مالی بر مجرمین را ناجایز دانسته و گرفتن بخشی از مالشان را در ازای عمل کرد خلافشان درست نمی‌دانند. اما شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن قیم جوزی تعیین غرامت و یا تاوان مالی بر خلاف کننده‌گان را جایز می‌دانند چون می‌گویند در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم غرامت مالی تطبیق شده است، چنانچه قبلاً در بحث مشروعیت جزایهای تعزیری ذکر شد از رسول الله صلی علیه و سلم در باره خرمای روی درخت سؤال شد؛ ایشان فرمود: «مَنْ أَصَابَ بِفِيهِ مِنْ ذِي حَاجَةٍ غَيْرِ مَتَّخِذٍ حُجْنَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَمَنْ خَرَجَ بِشَيْءٍ مِنْهُ فَعَلِيهِ الْغَرَامَةُ وَالْعُقُوبَةُ وَمَنْ خَرَجَ بِشَيْءٍ مِنْهُ بَعْدَ أَنْ يُؤْوِيَهُ الْجَرِيئُ فَلَيْعَ تَمَنَّى الْمَجْنُوعُ عَلَيْهِ الْقَطْعُ» (نسائی، شماره حدیث: ۴۹۵۸).<sup>۵</sup>

«هر نیاز مندی که از آن، بخورد و در ظرف نریزد (و نبرد) بر او چیزی نیست، و کسی که چیزی از آن ببرد، پس بر او غرامت و مجازات است و کسی که از محل انبار، (خرما) ببرد و مقدار آن به قیمت سپری باشد، باید دستش قطع گردد».

از این حدیث معلوم می‌شود سرقتی که نصاب حد را پوره نکرده باشد قابل تعزیر مالی است (زحیلی، ۱۴۱۸هـ: ۷/۵۵۹۸).

همچنان خلفای راشدین پس از ایشان نیز از این روش تبعیت کرده‌اند؛ بناءً عمل ایشان دال بر این است که غرامت منسوخ نشده است (هروی، ۱۳۹۸: ۳۲).

اقسام تعزیرات مالی: تعزیرات مالی اقسام مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- اتلاف ادوات و وسایل جرم.
- ۲- تغییر صورت اشیای ممنوعه به اشیای دیگر.
- ۳- تملک و مصادره تمام یا قسمتی از اموال مجرم به نفع بیت المال (زحیلی، همان: ۷/۵۵۹۸).

## د - سلب آزادی (حبس و تبعید)

### ۴. حبس

حبس در لغت منع، گرفتاری، امساک و ضد آزادی است طوری که الله متعال می‌فرماید:

وَلَبِئْسَ أَجْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابُ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيْقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ ۗ أَلَا يَوْمٌ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (هود/۸)

<sup>۵</sup> - حکم و تخریج حدیث در ص ۱۰ این مقاله ذکر شد.

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آن‌ها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می‌گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟ آگاه باشید، آن روز که عذاب) به سراغشان آید، از آن‌ها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود)؛ و آنچه را مسخره می‌کردند، دامان‌شان را می‌گیرد! (این منظور، همان: ۲۲۳).

ابن تیمیه و ابن قیم جوزی می‌گویند: حبس شرعی به معنی سجن در مکان ضیق نیست. بل که سلب آزادی شخص و منع نمودن وی از تصرف‌اش می‌باشد چه در خانه باشد یا در مسجد (ابن تیمیه، ۱۹۹۵: ۱۵۰).

### مشروعیت حبس

اللّه ذوالجلال می‌فرماید: **وَاللّٰتِيْ يٰۤاْتِيْنَ الْفٰحِشَةَ مِنْ نِّسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهَدُوْا عَلَيْهِنَّ اٰزْبَعَةً مِّنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِي الْبُيُوْتِ حَتّٰى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لِهِنَّ سَبِيْلًا (نسا/۳۴).**

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آن‌ها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان [زنان] را در خانه‌ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا این که خداوند، راهی برای آن‌ها قرار دهد.

گرچه بعضی احکام این آیت منسوخ است مانند حکم زنانی که مرتکب زنا می‌شوند حبس خانگی نیست؛ چون جزای آن‌ها بعداً نازل شد که در صورت مجرد بودن صد تازیانه و در صورت متأهل بودن رجم می‌باشد؛ اما علما از این آیت در باره حبس به حیث جزای تعزیری استدلال کرده‌اند.

اما در شرایط امروزی محابس از طرف دولت‌ها به منظور نگهداری مجوسین ایجاد گردیده است و حقوق زندانی‌های در روشنی شریعت اسلامی و معیارهای انسانی مراعات می‌شود. در زمان عمر رضی الله عنه، زندان به شکل رسمی ایجاد شد. زمانی که جامعه بشری وسعت پیدا کرد و گراف جرایم تعزیری به مرور زمان بلند رفت عمر رضی الله عنه خانه‌ای را در مکه خریداری نموده آن را زندان ساخت و اشخاص محکوم به حبس را در آن محبوس نمود (ابن تیمیه، همان: ۱۵۱).

بهبزین حکیم از پدرش و او از جدش روایت می‌کند: «حَبَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا فِي ثَهْمَةٍ فِي سَاعَةٍ مِنْ نَهَارٍ، ثُمَّ خَلَّى سَبِيلَهُ» (اصبهانی، ۳۸۱هـ: ۸۴۳).

رسول الله صلی علیه و سلم مردی را که متهم در قضیه‌ای بود؛ برای مدتی حبس نمود و سپس او را آزاد کرد.

این حدیث در مستدرک حاکم به این لفظ آمده است: «ان النبي صلى الله عليه وسلم حبس رجلاً في ثَهْمَةٍ» (حاکم، ۱۴۰۵هـ: شماره حدیث: ۷۱۶۳)

پیامبر صلی الله علیه و سلم مردی را که متهم به قضیه‌ای بود حبس کرد.<sup>۶</sup>

<sup>۶</sup> أبو عبد الله الحاكم النيسابوري صاحب مستدرک گفته: این حدیث صحیح الاسناد است.



وجه استدلال: وقتی که حبس در تهمت (مظنونیت) جواز دارد- طوری که در حدیث ذکر شد در ارتکاب جرایم تعزیری به صورت اولی جواز می داشته باشد حبس از جمله مجازات تعزیری است. پس این حدیث دلیل است بر مشروعیت حبس به حیث جزای تعزیری.

### مدت حبس

حبس در شریعت اسلامی دو نوع است: حبس دارای مدت معین و حبس به مدت غیر معین. نوع اول: حبس دارای مدت معین در جرایم عادی می باشد این نوع تعزیر برای مجرمینی پیشبینی می شود که سوابق جرمی نداشته باشند ریشه و روند گرایش جرمی در آنها کم باشد. کم ترین مدت این نوع حبس یک روز است اما اتفاق بر حد اکثر آن شناسایی نشده است (ابن تیمه، ۱۹۹۵: ۱۵۳).

نوع دوم: حبس به مدت غیر معین: حبس غیر معین در جرایم خطر ناک و غیر عادی می باشد. یعنی مجرمین متکرر و خطرناک برای مدت نامعین و طولانی زندانی می شوند تا در رفتارشان تغییرات مثبت مشاهده شود. یا این که توبه نمایند. امام احمد رحمه الله میگوید: شخصی که مردم را به بدعت دعوت و تشویق نماید این نوع اشخاص تا زمانی در زندان حبس می شوند که توبه کنند و یا در زندان جان دهند. ابن همام رحمه الله می گوید: آواز خوان، مخنث، نائحه تعزیر شده و به زندان فرستاده می شوند تا بمیرند یا توبه نمایند. ابن نجیم رحمه الله می گوید: کسی که مرتکب قتل، سرقت، در صورت پوره نشدن شروط قصاص و حد- ضرب و جرح شده باشد؛ تا زمانی که توبه نکند حبس کرده می شود ابن نجیم، همان: ۵/۵۶).

### ۱. نفی یا تبعید

**تعریف نفی:** نفی در نزد اهل لغت اخراج و ابعاد است قسمی که گفته می شود نفیت الرجل عن الارض. یعنی نفی نمودم شخص را از زمین. اخراج و تبعید نمودم هم چنان می گویند: نفی الريح الغبار. یعنی باد غبار را از بین برد... (ابن منظور، همان: ماده (نفی) ۲/۳۳۶۱)

نفی در اصطلاح: اخراج شخص مجرم از سر زمینی که وی در آن جا زنده گی و اقامت داشته است (ابن تیمه، ۱۹۸۹: ۴۵).

### مشروعیت نفی یا تبعید

علما برای مشروعیت تبعید و یا نفی به آیت سی و سوم سوره مائده استدلال می کنند.

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا  
أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا  
وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ . (مائده/۳۳).

آن‌های که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا چهار

انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.

گرچه نفی در آیت فوق به حیث حد در جرم حرابت ذکر شده است اما فقها جایز می‌دانند که نفی از جمله جزاهای تعزیری نیز باشد (ابن کثیر، ب ت: ۵۲/۲).

مشروعیت نفی از دیدگاه حدیث: پیامبر صلی الله علیه و سلم از مشابَهت زنان به مردان، و از مشابَهت مردان به زنان منع کرده و هم‌چو اشخاص را نفرین کرده است:

« لعن النبي الْمُخْتَلِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ » وَقَالَ أَخْرَجُوهُمْ مِنْ بِيُوتِكُمْ (بخاری، ب ت: ۱۳۴/۴)

پیامبر صلی الله علیه و سلم دگرباشان را نفرین کرده گفت: این‌ها را در خانه‌ها تان راه ندهید.

این حدیث به نفی تعزیری دلالت می‌کند.

### تعیین مدت نفی اختلاف نظر دارند

فقها در مورد مدت نفی و تبعید اختلاف دارند.

قول اول: مدت تبعید تعزیری تعیین نشده است این به اجتهاد قاضی تعلق دارد تا حسب مصلحت، با در نظر داشت شرایط زمان و مکان مدت تبعید را در نظر گیرد. این قول امام ابوحنیفه و امام مالک رحمهم الله است (جزیری، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۵ - ۳۵۳).

احناف تبعید شخص زانی غیر محصن را تعزیر می‌دانند نه حد. می‌گویند: انسان زانی غیر محصن می‌تواند بعد از گذشت یک‌سال به محل زندگی خود برگردد. البته در صورتی که اثرات توبه بالای وی ظاهر شده باشد اما قاضی صلاحیت دارد تبعید را بیشتر از یک‌سال دوام دهد تا این که توبه شخص ظاهر شود. از این جهت به نظر امام ابوحنیفه رحمه الله تبعید حد معین ندارد زیرا تبعید در نزد ایشان از جمله حد به‌شمار نمی‌رود (زحیلی، همان: ۷ / ۵۶۰).

قول دوم: واجب است که مدت تبعید تعزیری کمتر از یک سال باشد تا از جمله حدود محسوب نشود.. (ابویعلی، ۱۹۹۸: ۳۱۵).

### ه - زجر و توبیخ و انذار

آسان‌ترین نوع جزای تعزیری همانا وعظ، نصیحت و انذار می‌باشد و اگر این‌ها نتیجه نداشت و مفید واقع نشد؛ قاضی می‌تواند از تهدید و توبیخ کار گیرد (ابن تمیه، ۱۵۶: ۱۹۹۵)..

## نتیجه گیری

با توجه به معنا و مفهوم تعزیر و با دقت در ادله‌ای که مبنی بر عمومیت مفهوم تعزیر ارایه شد، معلوم می‌شود که حاکم جامعه‌ی اسلامی برای تنبیه مجرمان از اختیارات کامل برخوردار است و می‌تواند از انواع مجازات، متناسب با شخصیت مجرمین و جرایم ارتكابی آن‌ها، همانند موعظه، توبیخ، تذکر کتبی یا شفاهی، پرداخت غرامت به مجنی علیه، جریمه مالی، نگهداری در مراکز اصلاح و تربیت، مصادره اموال، تعطیلی محل کار و فعالیت، انجام کارهای عام المنفعه، حبس در منزل، زندان و هرنوع اقدامی را که برای اصلاح فرد (که در بردارنده‌ی اصلاح جامعه است) متناسب تشخیص دهد؛ استفاده کند و محدودیتی در این زمینه برای او وجود ندارد. زیرا مجازات تعزیری وسیله‌ای برای اصلاح و تربیت مرتکب جرم و جلوگیری از ارتكاب جرایم مجدد وی و هم چنین جلوگیری از انحراف و آلودگی سایر افراد می‌باشد و دارای نقش مهمی در جامعه است.

## پیشنهادها

در این مقاله به‌انواع و روش‌های تعزیر اشاره گردید، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. تحقیق گران راجع به نقش تعزیر بر بهبود وضعیت امنیتی و پابین آمدن گراف جرایم نیز تحقیقاتی لازم انجام دهند.
۲. به‌رهبری امارت اسلامی پیشنهاد می‌شود جرایم و جزایهای تعزیری را در روشنی فقه اسلامی قانون گذاری کنند تا احکام شرعی خوب‌تر تطبیق گردد.

## منابع

قرآن کریم

ابن المنذر، إبراهیم بن المنذر النیسابوری، ویکنی ابا بکر بن المنذر، ومشهور باین المنذر (۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م) الإجماع، تقدیم ومراجعة: عبد الله بن زید آل محمود، تحقیق: د. فؤاد عبد المنعم أحمد، قط: رئاسة المحاکم الشرعية والشئون الدينية.

ابن الهمام، کمال (۱۳۱۹) شرح فتح القدير. مصر: انتشارات ازهریه ج ۵.

ابن تیمیه، تقی الدین احمد ابن تیمیه (۱۹۸۹ م) الحسبه. الرياض: انتشارات منهاج النبوه.

ابن فرحون، برهان الدین، أبو إسحاق إبراهیم بن أبي الحسن بن فرحون المدني، تبصرة الحکام.

ابن قدامه، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن قدامه المقدسي، (۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م)، المغنی علی مختصرأبي القاسم، بن حسین بن أحمد الخرقی، تحقیق: محمد شرف الدین خطاب وآخرون، القاهرة: دار الحديث.

ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل ابن کثیر قریشی (۷۷۴هـ ق) تفسیر القرآن العظیم، پشاور انتشارات مکتبه حقانیه ج ۸.

ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری (۱۴۰۵ هـ ۱۳۶۳ ق) لسان العرب، ایران: أدب الحوزة القم ج ۴.

ابن نجیم زین الدین بن ابراهیم بن محمد، المعروف بابن نجیم المصری (ب ت) البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۵.

ابن، عابدين محمد أمين ( ۱۴۱۵ هـ )، حاشیه رد المختار علی الدر المختار المسما بحاشیه ابن عابدين. بیروت: دار الفکر،

ابوزهره محمد، (ب ت) - الجریمه و العقوبه فی الفقه الإسلامی، دار الفکر العربی.

ابویعلی، محمد ابن الحسین الفراء حنبلی ( ۱۹۹۸ م) الاحکام السلطانیة. لبنان: دارالفکر

اصبهانی أبو بکر محمد بن ابراهیم بن علی بن عاصم بن زاذان الأصبهانی ابن المقرئ (۳۸۱ هـ). معجم ابن المقرئ

البانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م) سلسلة الأحادیث الصحیحه وشيء من فقها وفوائدها الرياض: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ۶.

البانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م) صحیح وضعیف سنن أبي داود

البانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م) صحیح وضعیف سنن الترمذی

البانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، (۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م) إرواء الغلیل فی تخريج أحادیث منار السبیل الناشر: المکتب الإسلامی - بیروت الطبعة: الثانية عدد الأجزاء: ۹

بخاری، ابو عبد الله محمد ابن اسماعیل، (۱۴۲۰هـ)، صحیح البخاری، بیروت دار الصادر چاپ چهارم.

بیهقی، ابوبکر بن احمد، (۱۴۳۲هـ) السنن الكبرى، محقق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، چاپ اول، ج ۷.

جرجانی، علی بن محمد، (۱۴۰۳هـ)، التعریفات، دارالکتب العلمیه- بیروت، چاپ اول، ص ۱۵۷.

جزیری، عبدالرحمن جزیری، (۱۴۲۲ق) الفقه علی المذاهب الاربعة، ج ۵، بیروت: دار الفکر.

خرمدل مصطفی خرمدل (۱۳۸۸هـ ش) تفسیر نور تهران: انتشارات احسان.

دهخدا- علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه ج ۱۹ چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم ص ۱۲۵

زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته ج ۷ بیروت: دارالفکر.

زیلعی فخر الدین عثمان بن علی الزیلعی، ( ۱۹۹۶م) تبیین الحقائق شرح کنزالدقائق. بیروت: دارالکتب العلمیه.

سجستانی، ابوداود، سلیمان بن اشعث، (ب.ت)، سنن ابی داود، دارالکتب العربی.

شریبینی شمس الدین محمد بن احمد الشریبینی. مغنی المحتاج الی معرقه معانی الفاظ المنهاج. طبع اول. دارالکتب العلمیه.

عوده، عبد القادر عوده التشریح الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، ج ۱ ص ۶۸۵

قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد ( ۱۹۹۵م) الجامع الاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی بیروت طبع اول ج ۵.

قشیری، مسلم بن حجاج. ( ۱۴۲۷ - ۲۰۰۶) صحیح مسلم، مصر: دار طیبه.

کاسانی علاؤ الدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی الحنفی، ( هـ ۱۴۲۱-۲۰۰۰ م)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، تحقیق: محمد عدنان بن یاسین درویش، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محمد رواس، قلعجی، ( ۱۴۰۸هـ)، معجم لغة الفقهاء، دارالفنائس، چاپ دوم.

مرزوقی حمد بن عبدالله بن محمد مرزوقی، ( ۱۴۲۵ق) سلطه ولی الامر، ریاض: مکتبه عبیکان.

نجار سلیم محمد ابراهیم النجار، سلطه القاضی فی العقوبات التعزیریة.

نذیر- داد محمد، ( ۱۴۹۸) حقوق جزای اختصاصی اسلامی. کابل جوی شیر.

نسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي ( ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶) سنن النسائي تحقیق: عبدالفتاح أبوغده،

الأحاديث مذيله بأحكام الألباني عليها، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب چاپ دوم،

نیسابوری أبو عبد الله الحاكم النيسابوري، (ت ۱۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین بیروت دار المعرفه.

هروی عبد الروف مخلص هروی ( ۱۳۹۸) نظام مالی و بانک داری اسلامی، کابل بنیاد آسیا.

